

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و
ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوشه کنکوری آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴



کتاب کنکور

عربی زبان قرآن دوازدهم

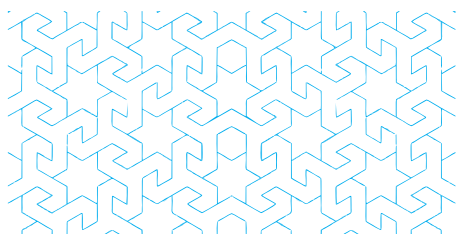
مهدي ترابي

رشته های ریاضی و تجربی

از مجموعه مرشد

به همراه
پرسش ها و پاسخ نامه تشریحی
کنکور ۹۸





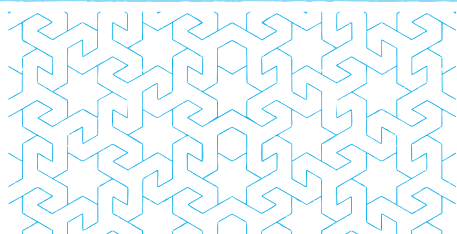
ווע
זענע
וועט
וועט

וועט

וועט

וועט

וועט



به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

«هر کودکی که به دنیا می‌آید، این پیام را به همراه دارد که خدا، هنوز از انسان ناامید نشده است.»

این جمله معروفی از اندیشمند هندوستان، «رابیندرانات تاگور» است که بارها و بارها به مفهوم زیبای آن فکر کرده‌ام و احیاناً شما هم حس می‌کنید که به طرز هوشمندانه‌ای می‌خواهد بگوید که اگر خدا از انسان‌ها ناامید شده بود دیگر هیچ کودکی به دنیا نمی‌آمد.

و حالا حتماً از خودتان می‌پرسید که این مطلب چه ربطی به این کتاب و موضوع آن دارد؟! «هر کتابی که به دنیا می‌آید (تولید می‌شود)، این پیام را به همراه دارد که انسان، هنوز از آموختن ناامید نشده است.»

بی‌اغراق می‌گویم که اگر امید به آموختن در وجود انسان هنوز زنده و ملموس نبود شاید ما هم این مقدار سختی را برای تولید چنین کتابی تحمل نمی‌کردیم و اکنون که آخرین قلم‌فرسایی‌های این کتاب را انجام می‌دهم، تمام امید و آرزویم این است که توانسته باشم کتابی تألیف کنم که مطالعه آن شما را در فهم و یادگیری بهتر درس عربی یاری کند و افقی نو در نگاهتان بگشاید.

در روند تولید کتاب نیز مانند هر محصولی، فقط یک نفر به چشم می‌آید و آن هم «مؤلف» است درحالی‌که این یک فرآیند گروهی است که در آن جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی تولید و وارد بازار شود، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از این گروه پر تلاش تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را از تولید کتاب با این عزیزانم به اشتراک بگذارم:

سپاسگزاری:

جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران

جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که تجسم چهره ایشان در ذهن من ترکیب لبخند و صبر است.

مهندس بابک نهرینی: دوست عزیز و خوش‌قلبی که باعث آشنایی من با مجموعه مبتکران بود.

آقای حسین کشتی‌کار: که همواره صبور و مهربان و باوقار به خواسته‌های من گوش می‌دادند و به همکارانشان در سایت طراحی و حروف‌چینی منتقل می‌کردند.

صفحه‌آرا: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.

سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.

گرافیکست: بهاره خدامی

طراح جلد: مینا هرمزی

سرکار خانم زینب نزل آبادی و هدی معرفت‌جو که در ویرایش بخش‌هایی از کتاب همراه من بودند.

❏ دانش‌آموزان خوبیم: که ایرادهای موجود در چاپ اول را صمیمانه به من منتقل کردند تا بتوانم در ویرایش‌های بعدی آن‌ها را برطرف کنم.

❏ همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف زمان‌برترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی‌ماند، بنابراین از تک‌تک عزیزان، استادان گرانقدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش‌آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر مَنّت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمندشان را از طریق آیدی تلگرام بنده به نشانی زیر اعلام نمایند، که من سخت معتمد نظرات شما سازنده و گرانقدر است:

@Arabi Academy

مهدی ترابی

دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوا - کنکور آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴





شماره صفحه

نام درس

۷	درس اول
۲۹	درس دوم
۵۳	درس سوم
۷۵	درس چهارم
۹۹	پاسخ نامه تشریحی

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



الدرس الاول:

محتوا دريك نگاه

جمله‌های اسمیه با آمدن برخی از کلمات، تغییراتی در ساختار مبتدا و خبرشان ایجاد می‌شود که این تغییر فقط محدود به ظاهر کلمات نبوده و معنای جمله اسمیه را نیز تغییر می‌دهد.

اولین مورد از این کلمات، «افعال ناقصه» است که در آخرین درس عربی یازدهم با آن آشنا شدید و در ادامه قرار است در این درس با دو مورد دیگر، یعنی حروف مشبهه و لانی جنس آشنا شوید.

مقدمه

در درس ۵ عربی دهم با ساختار جمله اسمیه آشنا شدید و دانستید که جمله اسمیه از ترکیب «مبتدا + خبر» تشکیل می‌شود.

مبتدا + خبر

مرفوع مرفوع

در زبان عربی، حروفی وجود دارد که اگر به ابتدای جمله اسمیه اضافه شوند، اعراب و عنوان مبتدا و خبر را تغییر می‌دهند، این حروف که معنای متفاوتی دارند، «حروف مشبیه بالفعل» نامیده می‌شوند.

شناخت حروف مشبیه بالفعل

این حروف عبارت‌اند از:

«إِنَّ: همانا، به درستی که» / «أَنَّ: که» / «لَيْتَ: کاش - ای کاش» / «لَعَلَّ: شاید» / «كَأَنَّ: گویی که - گویا» / «لَكِنَّ: ولی»

حروف مشبیه طرز عمل مشترکی دارند که هرچند در کتاب درسی شما، این موضوع مطرح نشده ولی دانستن آن خالی از لطف نیست:

مبتدا + خبر ← حروف مشبیه
مرفوع مرفوع
اسم حروف مشبیه + خبر حروف مشبیه
منصوب مرفوع

إِنَّ اللهَ عَلِيمٌ ← إِنَّ اللهَ عَلِيمٌ.

یعنی بعد از اضافه شدن حروف مشبیه به ابتدای جمله اسمیه، کماکان جمله اسمیه دارید ولی نقش‌های آن، «مبتدا - خبر» نبوده و «اسم - خبر» حروف مشبیه می‌باشد.

بررسی حروف مشبیه

۱) «إِنَّ:» برای بیان تأکید در ابتدای جمله می‌آید که معمولاً به صورت «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» ترجمه می‌شود.

«إِنَّ اللهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.»

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

تذکره: ترجمه «إِنَّ» در جمله‌ها ضروری نیست و اگر ترجمه نشود، اشکالی ندارد.

نمونه تست:

فی ایّ جوابِ همزة «إِنَّ» خطأ؟

- ۱) قَدْ يُكْتَبُ عَلَى لَوْحٍ فِي مَتَجَرٍّ: أَنَّ الْأَكْلَ غَيْرُ مَسْمُوحٍ هُنَا!
- ۲) مَنْ يُقْرِضُ الْمِسْكِينَ مَالًا فَإِنَّمَا يُقْرِضُ خَالِقَهُ!
- ۳) لَمْ أَشَاهِدْ أَنَّ الْكَذَّابَ يَنَالُ مَكَانَةً خَاصَّةً بِاحْتِيَالِهِ!
- ۴) إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا هُنَا بَدَوْا يَتَهَامِسُونَ فِي إِحْدَى الصَّفُوفِ!

پاسخ تست: گزینه ۳

نکته: موارد کاربرد «إِنَّ»:

- ۱- در ابتدای جمله از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
 - ۲- بعد از نقل قول‌ها (:) از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
 - ۳- بعد از اسم‌های موصول از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
 - ۴- بعد از «ثُمَّ - حَيْثُ - اِذْ» از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
- بنابراین در گزینه «۱» بعد از «:» باید از «إِنَّ» استفاده شود.

۲) «أَنَّ»: به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد. (یربطُ الجملتين)

قالَ اعْلَمُ أَنَّ اللهَ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

تذکره: در عبارت‌هایی که دارای «أَنَّ» باشد، حداقل ۲ جمله وجود دارد. (برای شمارش تعداد جملات)

نمونه تست:

أكمل الفراغين:

«لَقَدْ فَشَلْتُ فِي مَبَارَاةٍ عَدَّةٍ مَرَاتٍ وَ عَلِمْتُ النَّجَاحَ فِي الْجِدِّ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي: يَا الزَّمانَ يَعُودُ إِلَى الْوَرَاءِ.»

۱) أَنْ - لَيْت ۱) لَعَلَّ - لَيْت ۳) إِنَّ - لَعَلَّ ۴) أَنْ - لَعَلَّ

پاسخ تست: **گزینه ۱**

در وسط جمله و برای ارتباط دو قسمت از جمله باید از «أَنَّ» استفاده کنید.

ترجمه جمله: «در مسابقه‌ای بارها شکست خوردم و دانستم که پیروزی در تلاش است و با خودم گفتم: ای کاش زمان به عقب بازگردد.»

۳) «كَأَنَّ»: به معنای «گویی» و «مانند» است و در جمله نشانه «تشبیه» می‌باشد.

«كَانَ هُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ»: آنان همچون یاقوت و مرجان هستند.

نمونه تست:

عَيِّنِ «التَّشْبِيه» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۱) كَأَنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحٌ يُنِيرُ الطَّرِيقَ لِلْجَمِيعِ! ۱) «و يَقُولُ الْكَافِرُ يَالَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا»
۳) لَعَلَّ صَدِيقِي فِي هَذَا الْأُسْبُوعِ يُسَافِرُ إِلَى الْعِرَاقِ! ۴) إِنَّ رَبِّي ذُو فَضْلٍ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَفْهَمُونَ!

پاسخ تست: **گزینه ۱**

با توجه به اینکه «كَأَنَّ» در این گزینه به کار رفته، می‌توانیم بگوییم که در این گزینه تشبیه وجود دارد.

۴) لَكِنَّ: به معنای «ولی» و برای تکمیل پیام جمله و برطرف کردن ابهام از جمله قبلی و رساندن منظور دقیق و کامل استفاده می‌شود.

مثال: من درس‌هایم را خوانده‌ام ولی دو درس هنوز باقی مانده است.

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

بی‌گمان خدا دارای بخشش است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

۵) لَيْت: به معنی «کاش - ای کاش» و بیانگر آرزوست و گاهی به صورت «یا لیت» به کار می‌رود که در ترجمه تفاوتی با «لیت» ندارد.

«و يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا»: و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

نمونه تست:

عَيِّنِ مَا يَدُلُّ عَلَى التَّمَنَّى لِأَمْرٍ غَيْرِ مُمَكِّن:

- ۱) فِي يَوْمٍ صَفِيفٍ حَارٍّ كَأَنَّ الشَّمْسَ كُرَةً مَلْتَهَبَةً فِي قَلْبِ السَّمَاءِ!
۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ يَرْجُو الْحَيَاةَ فِي الدُّنْيَا وَ يَكْرَهُ الشَّيْبَ مَعَ أَنَّهُ يَزِيدُهُ وَقَارًا!
۳) لَعَلَّ زَمَلَانِي يَحْتَفِلُونَ بِنَجَامِهِمْ وَ تَفُوقَهُمْ فِي جَوْ بِهَيْجٍ!
۴) مَرَّ بِذَهْنِي: لَيْتَ الْإِنْسَانُ مِثْلَ الرِّيَاضِيَّاتِ تُفَسِّرُهُ بَعْضُ النَّظَرِيَّاتِ!

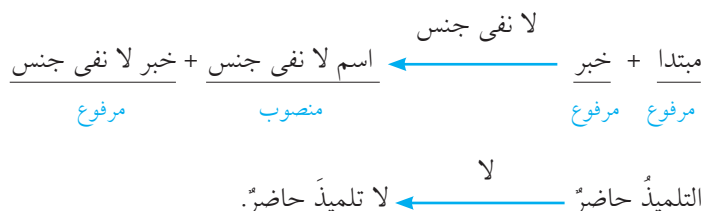
پاسخ تست: **گزینه ۴**

واژه «تَمَنَّى» به معنی «آرزو کردن» است و با توجه به معنا و کاربرد «لَيْت»، گزینه «۴» پاسخ صحیح است.

۶ **لعلّ:** به معنی «شاید» و «امید است» می‌باشد.
«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: بی‌گمان، قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، امید است شما بیندیشید.

لای نفی جنس

یکی دیگر از حروفی که می‌تواند به ابتدای جمله اسمیه اضافه شده و آن را تحت تأثیر قرار دهد، «لا نفی جنس» است. هرچند طرز عمل «لا نفی جنس» نیز مانند طرز عمل «حروف مشبّهه» جزء خواسته کتاب درسی شما نیست ولی دانستن آن خالی از لطف نمی‌باشد:



نحوه ترجمه جملات دارای لا نفی جنس:

جمله‌ای که با لا نفی جنس شروع می‌شود یک جمله اسمیه به حساب می‌آید که معنای «منفی» دارد. این جمله اسمیه به صورت «هیچ نیست» ترجمه می‌شود و اسمی که بعد از لا نفی جنس می‌آید به صورت نکره ترجمه می‌شود.
لا جهاد کجهاد النفس: هیچ مبارزه‌ای همچون مبارزه با نفس نیست.
نکره
«لا علم لنا الا ما عَلَّمْتَنَا»: جز آنچه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم.
نکره

مقایسه لا نفی جنس با انواع لا:

- ۱ **لا نافية:** برای منفی کردن فعل مضارع، به ابتدای آن اضافه می‌شود ولی هیچ تغییری در آخر فعل مضارع ایجاد نمی‌کند.
لا يَذْهَبُ: نمی‌رود
- ۲ **لا ناهیه:** به ابتدای فعل مضارع اضافه می‌شود و آخر آن را مجزوم می‌کند (ـَ / ن / نَ) به جز دو صیغه جمع مؤنث و به صورت دستور منفی ترجمه می‌شود.
لا يَذْهَبُ: نباید برود لا تَذْهَبُ: نرو لا أَذْهَبُ: نباید بروم
- ۳ **لا جواب:** در پاسخ به عبارت‌های پرسشی که با «هل - آ» شروع شده باشند، می‌آید.
هل أنت متكاسل؟ لا، أنا نشيط و مجتهد.
- ۴ **لا عطف:** بین دو اسم می‌آید و از نظر معنایی آنها را از هم جدا می‌کند.
جالس العلماء لا الجهال: با دانشمندان همنشینی کن نه با نادانان.
- ۵ **لا نفی جنس:** در ابتدای جمله می‌آید و بعد از آن بلافاصله اسمی داریم که بدون ال و تنوین آمده است و فقط «فتحه َ» دارد و به صورت «هیچ نیست» ترجمه می‌شود.
لا خير في قول الا مع الفعل.

نمونه تست:

عَيْن «لا» يختلف نوعها عن الباقي:

- ۱ «لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ»
- ۲ «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»
- ۳ لا لِبَاسٍ أَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ وَالْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ!
- ۴ لا بَلِيَّةَ أَعْظَمَ مِنَ الْجَهْلِ فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ!

پاسخ تست: **گزینه ۱**

در گزینه ۱: «لا باعث مجزوم شدن فعل مضارع شده و لا ناهیه است.
در گزینه ۲: «لا در کنار اسم آمده و لا نفی جنس است.

در گزینه «۳»: لا در کنار اسم آمده و «لا» نفی جنس است.
در سایر گزینه‌ها، «لا» در کنار اسم آمده و «لا نفی جنس» می‌باشد.
در گزینه «۴»: «لا» در کنار اسم آمده و لا نفی جنس است.

نمونه تست:

عین نوع «لا» فی عبارة «لا تَسُبُّوا النَّاسَ حَتَّى لَا يَسُبُّوكُمْ».

④ نافیہ - ناهیہ

③ ناهیہ - نافیہ

② نافیہ - نافیہ

① نافیہ - نافیہ

پاسخ تست: گزینه ۱

در لا تَسُبُّوا، حرف لا باعث مجزوم شدن فعل مضارع شده است. لا ناهیہ
در حَتَّى لَا يَسُبُّوكُمْ، «حَتَّى» حرف ناصبه است و باعث منصوب شدن فعل مضارع می‌شود و در نتیجه، «لا» نمی‌تواند تغییری در فعل ایجاد کند و مجبور است لا نافیہ باشد.
نکته: اگر قبل از «لا» یکی از حروف عامل (عمل‌کننده) بیاید، لا حتماً نافیہ است.
ترجمه این عبارت: «به مردم دشنام ندهید تا به شما دشنام ندهند.»

نکته‌نامه

- ① مراقب باشید «إِنَّ - أَنَّ» را با «إِنْ: حرف شرط» و «أَنْ: حرف ناصبه» اشتباه نگیرید.
- ② إِنَّ و أُنَّ هیچ‌گاه بلافاصله در کنار فعل نمی‌آیند، در حالی که «إِنْ» و «أَنْ» حتماً در کنار فعل می‌آیند.
- ③ «كَانَ: بود» جزء افعال ناقصه است و نباید آن را با «كَأَنَّ» اشتباه بگیرید.
- ④ «لَیْسَ» جزء افعال ناقصه است و معنی «نیست» می‌دهد و نباید آن را با «لَیْتَ» که جزء حروف مشبهه است اشتباه بگیرید.
- ⑤ اسمی که بعد از لا نفی جنس می‌آید، باید نکره باشد و نباید ال یا تنوین داشته باشد.
- ⑥ اگر بعد از «لا»، فعل یا جارو مجرور آمده باشد قطعاً، «لا» نفی جنس نیست.

کارگاه ترجمه

- ① فعل مضارع در جملات دارای «لَیْتَ» و «لَعَلَّ» به صورت «مضارع التزامی فارسی» ترجمه می‌شود:
نمونه: لَیْتَ مَعْلَمِی یُشَاهِدُ اجتهادی: ای کاش معلمم تلاش کردن مرا ببیند.
- ② فعل ماضی در جملات دارای «لَیْتَ» به صورت «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه می‌شود.
نمونه: لَیْتَ التَّلْمِیذُ ابْتَعَدَ عَنِ الْكُفْلِ | ای کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری می‌کرد. ☒
ای کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری کرده بود. ☒
- ③ لا نهی در صیغه‌های غایب و متکلم به همراه «نبايد» ترجمه می‌شود:
نمونه: لا تَذْهَبْ: نبايد برويم لا يَذْهَبْ: نبايد برود.
- ④ جملات دارای «لا نفی جنس» که به صورت «هیچ نیست» ترجمه می‌شود را با جملات دارای «لَیْسَ: نیست» اشتباه نگیرید؛ زیرا جملات دارای «لا نفی جنس» را در زبان عربی، «نفی مطلق» می‌گویند که باید حتماً با «هیچ» ترجمه شوند.
نمونه: لَیْسَ فِی الْمَدْرَسَةِ تَلْمِیْذٌ: دانش‌آموزی در مدرسه نیست.
لا تَلْمِیْذٌ فِی الْمَدْرَسَةِ: هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست.
- ⑤ ترجمه «إِنَّ» ضروری نیست، بنابراین براساس ترجمه نشدن آن نمی‌توانید گزینه‌ای را حذف کنید.
- ⑥ «إِنَّ» و «أَنَّ» جزء حروف مشبهه هستند و با نحوه ترجمه آنها آشنا شدید، این دو حرف اگر به صورت «إِنَّمَا» یا «أَنَّمَا» باشند، معنی «فقط» می‌دهند.
نمونه: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ: فقط مؤمنان با یکدیگر برادر هستند.

۱- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱ جمع الانشوده: الاناشيد
۲ مفرد البسمات: البسمة
۳ جمع الحظ: الاحظاظ
۴ جمع الكتف: الأكتاف

۲- عَيْنِ الْخَطَا فِي تَوْضِيحِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

- ۱ وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ: لَا تَكَلَّمُوا بِكَلَامٍ قَبِيحٍ
۲ أَبِي يُعَلِّقُ فَاسَهُ عَلَى كَتِفِهِ: آلهَ ذَاتِ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنَّ عَرِيضَةٍ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا
۳ تَلْمِذَاتُ الصَّفِّ الْآخِرِ بَدَأْنَ يَتَهَامَسْنَ: يَتَكَلَّمْنَ بِصَوْتٍ عَالٍ
۴ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى: مَا هُوَ لَا غَايَةَ وَ لَا مَعْنَى لَهُ

۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

- ۱ النَّاسُ فِي بَلَدِنَا يَنْعَقِدُونَ السَّعَائِرَ الدِّينِيَّةَ دَائِمًا: مَرَّاسِمُهَا
۲ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ: بَرَزْهَا
۳ الْحَارِسُونَ يُفْتَشُّونَ الْمُتَهَمِينَ فِي دَاخِلِ السُّجُونِ: زِنْدَانِهَا
۴ لَعَلَّ قَاطِعَ الْحَطَبِ يَنْقَطِعُ جَذَعُ الْأَشْجَارِ مَعَ الْفَاسِ: شَاخِهَا

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمُرَادِفِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

- ۱ كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ إِسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ: مَرَضٌ
۲ لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْعَضْبَ مَفْسَدَةٌ: مَظْلَمَةٌ
۳ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ: الْكِرَامَةُ
۴ لَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ: مِيرَاثٌ

۵- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمُتَضَادُّ:

- ۱ لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا غِنَى خَيْرٌ مِنَ الْعَقْلِ
۲ بَدَّلَ الرَّئِيسُ الصِّرَاعَ بَيْنَ الْقَوْمِ بِالسَّلَامِ
۳ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ مُشْرِكًا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا
۴ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ

۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«قَالَ الَّذِينَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَنَا مِثْلَ مَا قَارُؤُنْ»

«كسانی که زندگی دنیا را می‌خواهند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده برای ما بود.»

- ۱ يُرِيدُونَ - يَا لَيْتَ - أُوتِيَ
۲ يَطْلُبُونَ - لَعَلَّ - أُوتِيَ
۳ أَرَادُوا - يَا لَيْتَ - أُعْطِيَ
۴ يُرِيدُونَ - لَعَلَّ - أُعْطِيَ

۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

«گفتند منزهی تو، ما جز آنچه همانا تو دانای حکیم هستی»

- ۱ نادانیم - فراگرفتیم
۲ دانشی نداریم - تو به ما آموختی
۳ دانشی نداریم - یاد گرفتیم
۴ نادانیم - تو به ما آموختی

۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

- ۱ كَانَهَا رَائِحَةً جَدَى رَسُولُ اللَّهِ: هَمَانَا
۲ وَ مَا يُذْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا: شَائِد
۳ أَوْلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ: زِيرَا
۴ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى: هَمَانَا

۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- (الف) أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.
 (ب) لِيَتَنَبَّيَ عَلِمْتُ أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي.
 (ج) وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ.
 (د) وَمِنَ الْفَسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ وَمُفْسَدَةُ الْمَعَادِ. وَ لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ.

- ۱ که نازل کردیم، ای کاش می دانستم، گل، مایه تباهی
 ۲ نازل کردیم، شاید می دانستم، گل، مایه تباهی
 ۳ که نازل کردیم، می دانستم، خاک، فساد
 ۴ نازل کردیم، ای کاش می دانستم، خاک، فساد

۱۰- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبَ التَّعَارِيفِ:

- ۱ مَكَانٌ يُحْبَسُ فِيهِ الْمُجْرِمُ: السِّجْنُ
 ۲ مِنْ أَوَّلِ آثَارِ التَّارِيخِيَّةِ الْبَشَرِ الَّتِي يُكْتَشَفُ مِنْهَا حُرُوفٌ رَمَزِيٌّ وَ خَطٌّ وَ التَّارِيخُ...: الْأَصْنَامُ
 ۳ غُضُوٌّ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْجَذَعِ: الْكَتِفُ
 ۴ آلَةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنٌّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا: الْفَاسُ

۱۱- عَيْنِ مَا فِيهِ مُتَضَادَّ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

السَّلْمُ، حَنِيفٌ، الصَّحَّةُ

(الف) فَإِنَّ فِيهِ (القرآن) شَفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيُّ وَ الضَّلَالُ.

(ب) وَ مَنْ كَثُرَ نَزَاعُهُ بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاهُ عَنِ الْحَقِّ.

(ج) قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ.

- ۱ الف، ب، ج
 ۲ ج، الف، ب
 ۳ ب، ج، الف
 ۴ ب، الف، ج

۱۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعِينَةِ فِي الْآيَاتِ:

يا إلهي يا إلهي يا مجيب الدعوات

إجعل اليوم سعيدا وكثير البركات

وأملأ الصدر إشراحا و فمي بالبسمات

وَأعني في دروسي وأداء الواجبات

- ۱ اجابت شده - شادمانی - لبخند - یاری کن
 ۲ اجابت کننده - شادمانی - لبخند - مرا یاری کن

- ۳ اجابت - شادی - خنده - یاری کردی مرا
 ۴ اجابت کننده - شادمانی - خنده - یاری کنی مرا

۱۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«عَوَامِلٌ مُخْتَلِفَةٌ تُحَسِّبُ لِإِقَامَةِ وُجُوهِ النَّاسِ لِلشَّرِّ وَ مِنْ جُمْلَتِهَا كَانَ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِمُحَاكَاةِ الْخَالِقِ بِصُورَةِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي كَانَ يَرَاهَا مِثْلَ الْإِنْسَانِ وَ الْحَيَوَانَاتِ وَ النَّبَاتَاتِ»

«عوامل گوناگونی برای مردم به بت پرستی و از جمله ی آن توجه انسان به شبیه سازی آفریننده به شکل چیزهایی بود که همچون انسان، حیوانات و گیاهان»

۱ روی آوردن - شمرد می شود - آنها را می دید.

۲ روی آوردن - می شمرد - آنها را می دید.

۳ جلب شدن - شمرد می شود - آنها را درک می کرد

۴ جلب شدن - می شمرد - آن را می دید

۱۴- عَيْنِ الْأَصَحِّ لِلتَّرْجَمَةِ:

«قَدْ أَحْضَرْنَا مَقَالََةً يُعَلِّمُنَا حَوْلَ سِيرَةِ تَدْنِي شُعُوبِ الْمَاضِيَةِ مِنْ خِلَالِ كِتَابَاتِهَا وَنُقُوشِهَا وَشَعَائِرِهَا»

- ۱ مقاله‌ای را ارائه دادیم که به ما درباره‌ی دینداری ملل پیشین از طریق نوشته‌هایشان و کنده‌کاری‌هایشان و مراسم‌شان آموزش می‌دهد.
- ۲ مقاله‌ای را آورده‌ایم که به ما درباره‌ی روش دینداری ملل پیشین از طریق نوشته‌هایشان و کنده‌کاری‌هایشان و مراسم‌شان آموزش می‌دهد.
- ۳ مقاله‌ای را ارائه داده‌ایم که به ما درباره‌ی روش دینداری پیشینیان از طریق نوشته‌هایشان و کنده‌کاری‌هایشان و مراسم‌شان آموزش می‌دهد.
- ۴ مقاله‌ای را آورده‌ایم که به ما درباره‌ی دینداری ملل پیشین از طریق کتاب‌هایشان و نقاشی‌هایشان و اشعارشان آموزش می‌دهد.

۱۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«لَعَلَّهُ كَانَ الْإِبْرَاهِيمَ الْحَنِيفَ الَّذِي أَخَذَ الْفَأْسَ عَلَى كِتْفِهِ وَ تَحَرَّكَ نَحْوَ الْمَعْبَدِ لِتَكْسِيرِ الْأَصْنَامِ»

- ۱ شاید او ابراهیم یکتاپرست بود که تبر را بر دوشش گرفته و به سمت عبادت‌گاه برای شکستن بت‌ها حرکت کرده‌است.
- ۲ ای کاش او ابراهیم یکتاپرست باشد که تبر را بر دوش گرفت و به سمت عبادت‌گاه برای شکستن بت‌ها رفته‌است.
- ۳ ای کاش او ابراهیم یکتاپرست باشد که شمشیر را بر دوش گذاشت و به سمت عبادت‌گاه برای نابودی خدایان رفته‌است.
- ۴ شاید او ابراهیم خدا پرست بود که شمشیر را بر دوشش گرفت و به سمت عبادت‌گاه برای خرد کردن بت‌ها رفته‌است.

۱۶- عَيْنِ الْخَطَأِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱ لَيْتَنِي أَقْدِرُ أَنْ أَفْهَمَ الطُّلَابَ الْمَسَائِلَ الصَّعِيَّةَ: ای کاش می‌توانستم مسائل دشوار را به دانش‌آموزان بفهمانم.
- ۲ تَجَنَّبُوا مُجَالَسَةَ الَّذِينَ يَغْتَبُونَ الْآخَرِينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ: از همنشینی با کسانی که به ناحق غیبت دیگران را می‌کنند دوری کنید.
- ۳ إِذَا دَاخَلَ الصَّرَاخُ بَيْنَ رُؤَسَاءِ الْقَوْمِ فَارْسَبُوا فِي الْحَرْبِ: اختلاف میان سران قوم به وجود آمد پس در جنگ شکست خوردند.
- ۴ لَا تَكُونَنَّ مَرَّةً يَقُولُ الْحَدِيثَ السُّدِّيَّ: هرگز انسانی نباش که سخن بیهوده می‌گوید.

۱۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱ يَا إِلَهِي أَنْرْ عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ: خداوند! عقل و دلم را مملو از دانش‌های سودمند کن. (جدید)
- ۲ كَانَ الْقَرَابِيُّ يُقْتَلُونَ لِرِضَاءِ الْآلِهَةِ فِي الْمَاضِي: نزدیکان برای رضایت خدایان در گذشته کشته می‌شدند.
- ۳ حَرِّقُوا الْأَحْطَابَ الَّتِي كَسَرْتُمْ بِقُوَّاسِكُمْ: هیزم‌هایی را که با تبرهای تان شکستید بسوزانید.
- ۴ هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فَضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ: آیا آنان را دیده‌ای که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند.

۱۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيبِ:

«ابراهیم در آتش افکنده شد اما خداوند او را از آن نجات خواهد داد»

- ۱ قَذَفَ إِبْرَاهِيمُ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَبَقَهُ مِنْهَا
- ۲ يُقَذَّفُ إِبْرَاهِيمُ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَتَجَبَّبُهُ مِنْهَا
- ۳ قَذَفَ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ إِنَّ اللَّهَ سَيَتَجَبَّبُهُ مِنْهُ
- ۴ قَذَفَ إِبْرَاهِيمُ فِي النَّارِ إِنَّ اللَّهَ سَيُنْقِذُهُ مِنْهَا

۱۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيبِ:

«گویی کسانی که در راه خداوند، جهاد می‌کنند چون ساختمان‌های استوار هستند.»

- ۱ كَأَنَّ الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بُنْيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۲ إِنَّ اللَّاتِي يُجَاهِدْنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبْنِيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۳ كَأَنَّ أَلَاتِي يُجَاهِدْنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبْنِيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۴ كَأَنَّ الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبْنِيَانٌ مَرصُوصٌ

۲۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيبِ:

- ۱ هیچ چیز راست‌تر از مرگ نیست: لَا شَيْءَ أَصْدَقُ مِنَ الْأَجْلِ
- ۲ کاش آنان به حق روی آورند و از پروردگار طلب آمرزش کنند: لَعَلَّهُمْ أَقَامُوا وَجْهَهُمْ لِلْحَقِّ وَ يَسْتَغْفِرُونَ مِنْ اللَّهِ
- ۳ شاخه‌های درخت با این تبر بریده نخواهد شد: لَنْ تَقْطَعَ غُصُونُ الشَّجَرَةِ مَعَ هَذِهِ الْفَأْسِ
- ۴ هرگز نمی‌توانی آزادگی مرد را در زندان نگه‌دارید: لَا تَقْدِرُ أَنْ تَحْفِظَ حُرِّيَّةَ الْمَرْءِ فِي السِّجْنِ

۲۱- عَيْنُ الْخَطَأِ لِلتَّعْرِيبِ:

- ۱ مورچه تکه‌ی نان را بر دوش می‌گذارد و به لانه‌اش می‌برد: التَّمْلُ يَضَعُ قِطْعَةَ الْخُبْزِ عَلَى الْكَتِفِ وَ يَحْمِلُهَا إِلَى وَكْتِهِ
- ۲ گویی خشنود ساختن همه‌ی مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید: لَكِنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تَدْرِكُ
- ۳ قصیده‌ای که در وبلاگ مدرسه گذاشته بودی خواندیم: قَرَأْنَا الْقَصِيدَةَ الَّتِي وَضَعْتَهَا فِي مُدَوَّنَةِ الْمَدْرَسَةِ
- ۴ خمشگین مباح، پس همانا خشم، مایه‌ی تباهی است: لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ

۲۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيبِ:

«ای خدای من! سینه‌ام را از شادمانی و دهانم را از لبخندها مملو کن.»

- ۱ يَا إِلَهِي! إِمْلَأْ صَدْرِي إِنْشِرَاحًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.
- ۲ اللَّهُمَّ! اجْعَلْ فِي صَدْرِي مَسْرورًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.
- ۳ يَا إِلَهِي! اجْعَلْ فِي صَدْرِي إِنْشِرَاحًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.
- ۴ اللَّهُمَّ! إِمْلَأْ صَدْرِي مَسْرورًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.

۲۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

«كَانَ إِبْرَاهِيمُ الرَّسُولُ يَدْعُو النَّاسَ بِاتِّبَاعِ الدِّينِ الْحَنِيفِ وَ تَجَنُّبِ عِبَادَةِ الْأَلْهَةِ الْمُتَعَدِّدَةِ».

- ۱ حضرت ابراهیم پیامبری بود که مردم را به پرستش دین خداوند و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت کرد.
- ۲ حضرت ابراهیم مردم را به پیروی از دین راستین و دوری از عبادت خدایان متعدد دعوت کرد.
- ۳ ابراهیم پیامبر مردم را به پیروی دین راستین و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت می‌کرد.
- ۴ ابراهیم پیامبری مردم را به پیروی از دین خداوند و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت می‌کرد.

۲۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

«يُحَرِّقُ الْهِنُودُ أَجْسَادَ أَمْوَانِهِمْ وَ قَرَابِينِهِمْ فِي شَعَائِرِ».

- ۱ هندیان جسد‌های مردگان و قربانیان خود را در مراسمی می‌سوزانند.
- ۲ مردم هند اجساد مردگان و قربانی‌های خود را در مراسمی می‌سوزانند.
- ۳ هندیان جسد کشته‌شدگان و قربانیان خویش را در مراسم‌ها می‌سوزانند.
- ۴ مردم هند جسد‌های کشته‌شدگان و قربانیان‌شان را در مراسم‌ها می‌سوزانند.

۲۵- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

«اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ الْخُطُوطَ وَ اللُّغَاتِ الْكَثِيرَةَ مِنْ نُقُوشِ بَعْضِ مَدَائِنِ إِيرَانَ».

- ۱ دانشمندان بسیاری از خط‌ها و زبان‌ها را از بعضی از نگاره‌های شهرهای ایران کشف کردند.
- ۲ از نگاره برخی شهرهای ایران بسیاری از خط‌ها و زبان‌ها را دانشمندان کشف کردند.
- ۳ دانشمندان از بعضی کنده‌کاری شهرهای ایران خط‌ها و زبان‌های بسیاری را کشف کردند.
- ۴ دانشمندان خط‌ها و زبان‌های بسیاری را از کنده‌کاری‌های بعضی شهرهای ایران کشف کردند.

۲۶- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ: پروردگارا آنچه را که طاقت تحمل آن را نداریم بر ما تحمیل مکن.
- ۲ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى: و با او سخنی نرم گوید کاش پند پذیرد یا بترسد.
- ۳ وَإِنَّهُ لَدُوْ عَلِيمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: و همانا او از آنچه به او آموختیم دارای دانشی بود ولی بیشتر مردم نمی دانند.
- ۴ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ: و اگر از جانب خدا بزرگی ای به شما برسد، چنانکه گویی میان شما و میان او دوستی ای نبوده است می گوید کاش من با آنان بودم.

۲۷- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ لَا قُرْبَةَ بِالْأَوْفَالِ إِذَا أَصْرَتْ بِالْفَرَائِضِ: هنگامی که واجبات زیان بینند نزدیکی ای به مستحبات نیست.
- ۲ إِنَّ الْأُمُورَ إِذَا اشْتَبَهَتْ اعْتَبِرْ آخِرُهَا بِأَوَّلِهَا: همانا کارها هنگامی که مشتبه شود پایان آنها به اولشان سنجیده شود.
- ۳ وَلَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: رَجُلٌ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَذَكَّرُهَا بِالتَّوْبَةِ وَ رَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ: در دنیا خیری نیست مگر برای دو نفر: مردی که مرتکب گناهی شده است و با توبه آن را جبران نماید و مردی که به سوی کارهای خیر می شتابد.
- ۴ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ: و نیکی با بدی یکسان نیست؛ (بدی) را به آنچه خود بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی وی دوستی یکدل است.

۲۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

«یکی از آموزه های قرآن این است که به انسان یادآوری کند خداوند دنیا را بیهوده و پوچ نیافریده است.»

- ۱ وَاحِدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسُ مَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۲ أَحَدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا يَتَذَكَّرُ النَّاسُ لَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۳ وَاحِدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسُ مَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۴ أَحَدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسُ لَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.

۲۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

«از سختی های روش و کردار همه پیامبران کشمکش آنها با کافران و ظالمان بوده است:»

- ۱ مِنْ سِيرَةِ صُعُوبَاتِ أَنْبِيَاءٍ كُلُّهُمْ صِرَاعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.
- ۲ مِنْ صُعُوبَاتِ سِيرَةِ كُلِّ الْأَنْبِيَاءِ صِرَاعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.
- ۳ مِنْ صَعْبَةِ سِيرَةِ كُلِّ الْأَنْبِيَاءِ صِرْعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.
- ۴ مِنْ صُعُوبَاتِ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ كُلُّهُمْ صِرْعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.

۳۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

- ۱ هیچ قومی از اقوام زمین نبوده است مگر اینکه دینی و راهی برای عبادت داشته است: لَا قَوْمَ مِنْ أَقْوَامٍ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.
- ۲ هر غذایی که بر آن نام خداوند یاد نشود پس همانا آن بیماری است و برکتی در آن نیست: كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَهٌ فِيهِ.
- ۳ بنده به حقیقت ایمان نمی رسد تا زبان خویش نگاه دارد: لَنْ يَبْلُغَ الْعَبْدُ الْحَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَحْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ.
- ۴ هیچ چیزی سزاوارتر از زبان به زندان شدن نیست: لَا شَيْءٌ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

۳۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

«ستاره شناس وسایل خود را حاضر و شروع به دیدن ستارگان در شب کرد.»

- ۱ حَضَرَ الْمُتَنَجِّمُ وَسَائِلَهُ وَ رَأَى النُّجُومَ فِي اللَّيْلِ.
- ۲ أَحْضَرَ الْمُتَنَجِّمُ وَسَائِلَهُ وَ يَبْدَأُ بِرُؤْيَا النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.
- ۳ حَضَرَ الْمُتَنَجِّمُ وَسَائِلَهُ وَ بَدَأَ بِبَرَايَةِ النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.
- ۴ أَحْضَرَ الْمُتَنَجِّمُ وَسَائِلَهُ وَ بَدَأَ بِرُؤْيَا النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.

۳۲- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ خَطَاءٌ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- ۱ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: مأمور کردم، قطعاً باشد، هرگز نباش
- ۲ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: به آن رسید، ندا دادیم، جایگاه مبارک

- ۳ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا: بزرگی، شعله‌ور شده است، نبوده‌ام
- ۴ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ...: اگر هستید، شک، رستاخیز

۳۳- كَمُلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- الف) أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمٍّ وَلِأَبٍ: ای که... افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدراند.
- ب) هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ / أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ: آیا آنان را... که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند.
- ج) إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ / وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ: افتخار تنها به... شرم، پاکدامنی و ادب است.
- ۱ بی‌خرد، ندیدی، استواری عقل
 - ۲ نابخردانه، ندیدی، استواری عقل
 - ۳ بی‌خرد، نمی‌بینی، عقلی استوار
 - ۴ نابخردانه، نمی‌بینی، عقلی استوار

۳۴- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «لَا شَعْبَ مِنَ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ»

- ۱ هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر اینکه دینی و راهی برای عبادت داشته باشد
- ۲ نیست ملتی از ملت‌های دنیا مگر آنکه برای آن یک دین و عبادتی باشد
- ۳ قطعاً هر ملتی از ملت‌های زمین برایشان دین و راه عبادت وجود دارد
- ۴ هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست جز اینکه برایشان دین و عبادتی باشد

۳۵- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِينِ وَتَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وَجُودِهِ».

- ۱ آثار قدیمی که توسط انسان کشف شده است تاکید بر توجه به دین و دلالت بر فطری بودن آن دارد
- ۲ آثار قدیمی که انسان آنها را کشف کرده، توجه انسان به دین را تاکید می‌کند و دلالت بر آن دارد که دین در وجودش فطری است
- ۳ آثار قدیمی که انسان کشف کرده، توجه انسان به دین را نشان می‌دهد و دلالت بر آن دارد که دین در وجودش فطری است
- ۴ انسان‌ها آثار قدیمی را کشف کردند که این موضوع اهتمام آنها به دین و فطری بودن آن را نشان می‌دهد

۳۶- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ، إِنَّمَا يَقْضِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا»

- ۱ قوم پچ پچ می‌کردند که: بت که حرف نمی‌زند قطعاً ابراهیم می‌خواهد بت‌های مارا مسخره کند
- ۲ قوم شروع به پچ پچ کرد: قطعاً بت حرف نزده است و همانا ابراهیم بت‌های مارا مسخره کرده است
- ۳ قوم شروع به پچ پچ کردند: قطعاً بت حرف نمی‌زند، بی‌شک ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌های مارا دارد
- ۴ قوم شروع به پچ پچ کردند: بت هیچ‌گاه حرف نمی‌زد و قطعاً قصد ابراهیم مسخره کردن بت ما بوده است

۳۷- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوصَةٌ»

- ۱ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کنند.
- ۲ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کردند
- ۳ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی است را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کنند.
- ۴ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او پی در پی، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کنند.

۳۸- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

- ۱ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش داشت ولی بیشتر مردم سپاسگزار نبودند
- ۲ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند
- ۳ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش خواهد داشت ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند
- ۴ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کردند

۳۹- اِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...»

- ۱ وکسانی را که به غیر خدا دعوت کردند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۲ وکسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام خواهند داد
- ۳ وکسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۴ وکسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.

۴۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «هِيَ فَقْرَى مَانِدِ نَادَانِي وَ هِيْجِ مِيرَاثِي مَانِدِ ادبِ نِيست»

- ۱ لافقر كالجاهل و لا ميراث كالادب
- ۲ ليس فقرٌ مثل الجهل و ليس ميراثٌ مثل الادب
- ۳ لا الفقر مثل الجهل و لا الميراث كالادب
- ۴ لا فقر كالجهل و لا ميراث كالادب

۴۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «كُوبِي خَشْنُودَ سَاخْتِنِ هَمِّهِ مَرْدَمِ هَدْفِي اسْتِ كِهْ بِهْ دَسْتِ نَمِي آيد»

- ۱ لَيْتَ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ هَدْفٌ لَا تُدْرِكُ
- ۲ كَانَ إِرْضَاءُ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ
- ۳ إِنَّ إِرْضَاءَ كُلِّ النَّاسِ غَايَةٌ لَا يُدْرِكُ
- ۴ لَعَلَّ إِرْضَاءَ كُلِّ النَّاسِ هَدْفٌ لَا يُدْرِكُ

۴۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجُحُ فِي الْمَسَابَقَةِ: كَاشِ دُوسْتَمِ دَرِ مَسَابَقِهْ پِيروز بَاشَد
- ۲ لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِي: كَاشِ هَمِّهِ شَهْرَهَائِ كُشُورَمِ رَا مِي دِيدَم
- ۳ لَيْتَ نَاصِرَا إِبْتَعَدَ عَنِ الْكُسْلِ: كَاشِ نَاصِرَازِ تَنْبَلِي دُورِي مِي كَرْد
- ۴ لَعَلَّ حَمِيدَا يُسَافِرُ: شَايِدِ حَمِيدِ مَسَافَرْتِ كَرْدِهْ بَاشَد

۴۳- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ لَا خَيْرَ فِي قَوْلِ الْإِلا مَعَ الْفَعْلِ: خَيْرِي نِيست مَگر اينكه كلام با عمل باشد
- ۲ لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ: هِيَجِ جِهَادِي مَانِدِ جِهَادِ بَا نَفْسِ نِيست
- ۳ لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ: هِيَجِ لِبَاسِي زِيَا تَرَا زِ عَافِيَتِ نِيست
- ۴ لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ: هِيَجِ فَقْرِي مَانِدِ نَادَانِي وَ هِيَجِ مِيرَاثِي مَانِدِ ادبِ نِيست

مفهوم

۴۴- عَيْنِ الْأَصَحِّ لِلْمَفْهُومِ:

- «هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ وَ ذَهَبٍ / بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ»
- ۱ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ
 - ۲ عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا جِيفَةً
 - ۳ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ
 - ۴ آفَهُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَ الْعُجْبُ وَ الْفَخْرُ

۴۵- عَيْنِ مَا لَيْسَ مَفْهُومَهُ مِثْلَ الْآخَرِينَ:

- ۱ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ
- ۲ أَقْرَبُكُمْ غَدًا مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ
- ۳ لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مَنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ
- ۴ الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعْدَ

۴۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

«لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ».

- ۱ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ صَلَاحُ نَفْسِهِ مَنْ لَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ.
- ۲ ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صَلَاحُ النَّفْسِ.
- ۳ طُوبَى لِمَنْ جَاهَدَ فِي اللَّهِ نَفْسَهُ وَ هَوَاهُ وَ مَنْ هَزَمَ جُنْدَ هَوَاهُ ظَفَرَ بِرِضَى اللَّهِ تَعَالَى.
- ۴ جِهَادُ النَّفْسِ بِالْعِلْمِ غُنَاؤُ الْعَقْلِ.

٤٧- عَيِّنَ الصَّحِيحَ فِي مَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَاتِ:

إِيَّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِمَ وَلَآبٍ
هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فُضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

- ١ كيفية خلقه الانسان
- ٢ الفرق بين الجاهل والعقل
- ٣ أهمية العقل والعفاف والادب
- ٤ انما الشرف بالعقل لا بالمال

درك مطلب

إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

«عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ قَدْ كَانَتْ فِي أَكْثَرِ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةِ. الصَّنَمُ ثِمَالٌ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدَنِ أَوْ الْأَجْنَاسِ الْأُخْرَى يَعْبُدُهُ الْإِنْسَانُ. هَذِهِ الْأَصْنَامُ تُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ بِصُورَةِ الْإِنْسَانِ أَوْ الْحَيَوَانِ أَوْ مِنَ الْوَهْمِ وَلَكِنْ فِي بَعْضِ الْبِلَادِ النَّاسُ يَعْبُدُونَ أَشْجَاراً أَوْ حَيَوَانَاتٍ خَاصَةً فِي الطَّبِيعَةِ نُسَمِيهِ «أَنِيمِيسْم». عَوَامِلٌ مُخْتَلِفَةٌ تُحَسِّبُ لِإِقَامَةِ وَجْهِ النَّاسِ لِلشَّرِكِ وَمِنْ جُمْلَتِهَا كَانَ إِهْتِمَامُ الْإِنْسَانِ بِمُحَاكَاةِ الْخَالِقِ بِصُورَةِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي كَانَ يَرَاهَا مِثْلَ الْإِنْسَانِ وَالْحَيَوَانَاتِ وَالنَّبَاتَاتِ. هَكَذَا نَقْدِرُ أَنْ نَقُولَ أَنَّ تَنَوُّعَ الْمَوْجُودَاتِ فِي الْعَالَمِ كَانَ يُسَبِّبُ الْإِنْسَانَ أَنْ يَتَعَبَّرَ الْأَرْبَابَ الْمُخْتَلِفَةَ لَهَا.»

٤٨- عَيِّنَ الصَّحِيحَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١ الأصنامُ يُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ طَبِيعِيَّةً أَوْ مَصْنُوعَةً
- ٢ النباتاتُ ما كانت مِنَ الرُّبُوبِ أَبَدًا
- ٣ قَلِيلَةٌ مِنَ النَّاسِ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ فِي الْمَاضِي
- ٤ النَّصُّ يَبْحَثُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ فِي بَلَدٍ خَاصٍّ

٤٩- عَيِّنَ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١ لِلْأَصْنَامِ الْأَنْوَاعُ وَالْأَجْنَاسُ الْمُخْتَلِفَةُ
- ٢ أحياناً الْإِنْسَانُ يَسْتَعِينُ مِنْ قُوَّةِ وَهْمِهِ لِصِنَاعَةِ الْأَصْنَامِ
- ٣ أَنِيمِيسْمُ هُوَ عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ الَّتِي يَصْنَعُهَا الْإِنْسَانُ
- ٤ الْأَشْيَاءُ الْمَرْثِيَّةُ كَانَتْ أَحَدَ مَصَادِرِ الْإِلْهَامِ لِصِنَاعَةِ الْأَصْنَامِ
- ٥- الضَّمِيرُ «ه» فِي جُمْلَةٍ «الصَّنَمُ ثِمَالٌ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدَنِ أَوْ الْأَجْنَاسِ الْأُخْرَى يَعْبُدُهُ الْإِنْسَانُ» يَرْجِعُ إِلَى:
- ١ الصَّنَمُ
- ٢ ثِمَالٌ
- ٣ الْحَجَرِ
- ٤ الْأُخْرَى

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَةَ بِدِقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

الصَّنَمُ ثِمَالٌ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدَنِ أَوْ غَيْرِهِ الَّذِي يُبْنَى بِشَكْلِ الْإِنْسَانِ أَوْ الْحَيَوَانِ أَوْ صُورٍ خَيَالِيَّةٍ وَحَقِيقِيَّةٍ لِعِبَادَةٍ. كَانَ عِبَادَةُ الصَّنَمِ رَاجِعاً فِي كُلِّ الْأَمَمِ تَقْرِيباً. وَلَكِنَّ بَعْضَ الْأَمَمِ كَالْإِيرَانِيِّينَ مَا كَانَ يَعْبُدُ الْأَصْنَامَ أَبَدًا. فِي سَنَةِ الْيُونَانِيِّينَ كَانَ يَعْبُدُ بَعْضُهُمْ آلِهَةً جَسْمِيًّا وَبَعْضُ الْآخَرِ يَعْبُدُ آلِهَةً رُوحِيًّا. الْأَصْنَامُ الْمَشْهُورُ عِنْدَهُمْ كَانَ زَنْوُسَ وَهَرَاءَ وَآتِنَا وَهَرَكُولَ. وَكَانَ عِنْدَ الرُّومِيِّينَ الْجُوبِيْتَرُ وَالْوَنُوسُ وَالدَيَانَا وَعِنْدَ الْأَعْرَابِ كَانَ اللَّاتُ وَالْمَنَاةُ وَالْعُرَّى.

٥١- عَيِّنَ الْعُنْوَانَ الْمُنَاسِبَ لِلنَّصِّ:

- ١ الْأَصْنَامُ الْمَشْهُورُ عِنْدَ الْأَمَمِ الْمُخْتَلِفَةِ
- ٢ عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ عِنْدَ الْأَمَمِ الْمُخْتَلِفَةِ
- ٣ دَمُّ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ
- ٤ سُنَّةُ الْيُونَانِيِّينَ فِي عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ

٥٢- عَيِّنَ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١ كَانَ يَعْبُدُ الْإِيرَانِيُّونَ الْأَصْنَامَ قَبْلَ وُرُودِ الْإِسْلَامِ فِي إِيرَانَ.
- ٢ كَانَ يَعْبُدُ الْيُونَانِيُّونَ آلِهَةً جَسْمِيًّا وَرُوحِيًّا أَيْضًا.
- ٣ كَانَ هَرَكُولُ وَزَنْوُسُ مِنَ الْأَصْنَامِ الْمَعْرُوفِ فِي يُونَانَ.
- ٤ كَانَ يَعْبُدُ الْأَعْرَابُ الْأَصْنَامَ قَبْلَ ظُهُورِ نَبِيِّ الْإِسْلَامِ.

۵۳- كم حرفاً من حُرُوفٍ مشبهةٍ بِالفعلِ وَجَدَ فِي النَّصِّ:

٢ ثلاثه

١ اثنان

٤ صفر

٣ واحد

۵۴- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي نَوْعِيَّةٍ أَوْ مَحَلِّ إِعْرَابِيٍّ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

يُونَانِيَّيْنِ، كَانَ، رُومِيَّيْنِ

١ مضاف اليه، فعل ناقصه، مضاف اليه

٢ صفت، فعل ناقصه، مجرور به حرف جر

٣ مضاف اليه، حروف مشبهة بالفعل، مضاف اليه

٤ صفت، خبر، مجرور به حرف جر

اقرأ النص التالي ثم أجب الاسئلة

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ وَلَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَأْسًا وَكَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ. وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مَكْسُورَةً وَظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمَحَاكِمَةِ وَسَأَلُوهُ: (أَأَنْتَ فَعَلْتَ بِالْهَتْنَا يَا إِبْرَاهِيمَ) فَاجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ، إِنَّمَا يَقْضِي إِبْرَاهِيمُ الْاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا وَهَذَا (قَالُوا حَرَّقُوهُ وَانصَرُوا آلِهَتَكُمْ) فَذَفَفُوهُ فِي النَّارِ فَانْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا

۵۵- ماهی ترجمه الكلمات (فأسا - مكسرة - يتهامسون - حرَّقوه) من النص حسب الترتيب:

١ تبر - شکننده - پیچ کردند - اورا سوزانديد

٢ تبر - شکسته شده - پیچ می کنند - اورا بسوزانيد

٣ داس - شکسته شده - پیچ می کردند - اورا بسوزانيد

٤ تبر - شکست - نجوا می کردند - اورا سوزانديد

۵۶- اَيَّ عُنْوَانٍ يَنَاسِبُ النَّصَّ:

١ عبادة الاصنام في قوم إبراهيم

٢ حياة إبراهيم الخليل بين قومه

٣ محاولة إبراهيم لإنقاذ القوم و نتيجتها

٤ محاكمة إبراهيم بسبب استهزاء الاصنام

۵۷- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

(فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ وَلَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ ، بَقِيَ وَحِيدًا ، فَحَمَلَ فَأْسًا وَكَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ)

١ أحد : المجرور بحرف الجر / الاعياد: المضاف اليه

٢ قومه : فاعل / وحيدا : مفعول

٣ فأسا: فاعل / الاصنام: المضاف اليه

٤ الاصنام: المضاف اليه / الاعياد: صفة

۵۸- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

(بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ، إِنَّمَا يَقْضِي إِبْرَاهِيمُ الْاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا وَهَذَا (قَالُوا حَرَّقُوهُ وَانصَرُوا آلِهَتَكُمْ) فَذَفَفُوهُ فِي النَّارِ فَانْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا)

١ إبراهيم: فاعل و مرفوع / الاستهزاء : مفعول و منصوب

٢ بأصنام: الجار والمجرور / آلهة: مفعول و منصوب

٣ الله: مفعول و منصوب / آلهة: فاعل و مرفوع

٤ إبراهيم: فاعل و مرفوع / باصنام: الجار و المجرور

۵۹- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي مَحَلِّ اِعْرَابِيٍّ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ حَسَبِ النَّصِّ:

(الْمَعْبَدَ - النَّاسُ - الْكَبِيرَ - النَّارِ)

١ المفعول به - الفاعل - الصفة - المجرور بحرف الجر

٢ المفعول به - المبتدا - الصفة - المجرور

٣ الفاعل - الفاعل - الصفة - الجار و المجرور

٤ المفعول به - الفاعل - المضاف اليه - الجار والمجرور